



از بازی پیچیده پاکستان تا شکاف در طالبان

چشم‌انداز غبار آلود صلح افغانستان

چالش
روح‌الله صالحی

در شرایطی که تلاش‌های بین‌المللی برای به ثمر رساندن مذاکرات صلح

افغانستان ادامه دارد ولی ناظران چشم‌انداز مثبتی برای آن متصور نیستند. پیش‌شرط‌های پاکستان برای آوردن مسیر مذاکرات صلح را پیچیده کرده است که این اقدام هم‌زمان با حضور نیروهای امریکایی که با شروط طالبان در تضاد است می‌تواند مذاکرات صلح را با چالش روبه‌رو کند. پس از چند ماهه وقفه در مذاکرات صلح افغانستان هفته گذشته بار دیگر شاهد دور تازگی از این مذاکرات بودیم. نشست چهار جانبه‌ی با حضور نمایندگان امریکایی، پاکستان و افغانستان دوشنبه گذشته در اسلام‌آباد پایتخت پاکستان برگزار شد تا شاید پس از چند سال در گامی مثبت به افغانستان بازگردد. آخرین دور مذاکرات صلح تابستان گذشته بین طالبان و دولت مرکزی افغانستان در اسلام‌آباد انجام شد و قرار بود مذاکرات برای یافتن راه‌حلی اساسی برای پایان دادن به درگیری‌ها ادامه داشته باشد که اعلام خبر ناگهانی مرگ ملا محمد عمر رهبر سابق طالبان سبب انتقاد درون این گروه‌شود و گروهی تمایل خود را برای حضور در مذاکرات اعلام کردند و در مقابل گروهی دیگر حملات خود را در مناطق افغانستان شدت بخشیدند ولی به رغم دوستی در بدنه طالبان تلاش‌های بین‌المللی برای در نهایت به‌نشست چشم‌چانه‌ی دولت افغانستان ادامه یافت که برگزاری مذاکرات بین طالبان و دولت افغانستان ادامه یافت که به رغم دوستی در بدنه طالبان تلاش‌های بین‌المللی برای در نهایت به‌نشست چشم‌چانه‌ی دولت افغانستان ادامه یافت که برگزاری مذاکرات افغانستان در مذاکرات اسلام‌آباد پس از پایان این نشست‌ها گفت همه شرکت کنندگان از رهبری افغانستان در جریان صلح حمایت کردند و تمام‌روش‌ها برای

مذاکره بین افغانستان و گروه‌های مخالف بررسی شد. به گفته وی کشور‌های شرکت‌کننده توافق کردند تمامی امکانات خود را ضد گروه‌های مخالف به‌به‌روند صلح افغانستان بپیوندند، به کار گیرند. بنا به اعلام وزارت امور خارجه پاکستان دور بعدی نشست چهار جانبه اواسط این هفته به میزبانی کابل برگزار خواهد شد و مذاکرات مستقیم میان دولت کابل و طالبان افغانستان بلافاصله بعد از نشست چهار جانبه کابل از سر گرفته خواهد شد.

همکاری پاکستان با طالبان

اگرچه طالبان در برگزاری مذاکرات صلح جدی نبوده ولی آنچه در سال‌های اخیر مذاکرات صلح را از مسیر خود منحرف کرده کارشکنی برخی طرف‌های امنتی‌ها است. برخی ناظران بر این باورند که طالبان افغانستان تحت کنترل سازمان اطلاعاتی پاکستان «آی‌اس‌آی» قرار دارد و اسلام‌آباد هر زمانی که بخواهد می‌تواند طالبان را به پای میز مذاکره کشانده صلح را عملی کند. مردم و مقامات افغانستان همواره تأکید داشته‌اند که سر‌تخ‌نار‌امی‌های کشورشان به پاکستان برمی‌گردد. حبیب‌الله صدیقی، سخنگوی اداره امنیت ملی افغانستان هفته گذشته با اعلام اینکه پاکستان با طالبان همکاری دارد، گفت: «افغانستان اسنادی در اختیار دارد که نشان می‌دهد شماری از نظامیان پاکستانی به همراه نام‌آوری که گفته می‌شود وابسته به سازمان اطلاعاتی پاکستان «آی‌اس‌آی» این کشور هستند با لباس‌های محلی در حالی که به زبان اردو صحبت می‌کنند در هلمند، فاریاب و فندو زو علیه نیروهای امنیتی افغان می‌جنگند.»

مقابله با نفوذ هند

پاکستان اهدافی دارد که در صورت عملی شدن آنها حاضر

ناظران افغان بر این باورند که دولت پاکستان تحت فشار‌های امریکا خود را متمایل به از سرگیری مذاکرات صلح افغانستان نشان می‌دهد. پاکستان همواره بر این مسئله تأکید داشته است که در مذاکرات صلح افغانستان نقش مهمی ایفا کرده و این موفقیت را به نام خود ثبت می‌کند و نشست‌های اخیر در این کشور نیز در این راستا انجام شده است. گرچه پاکستان اعلام کرده فهرستی از نیروهای طالبان موافق صلح را ارائه می‌کند، اما افغان‌ها با دیدۀ تردید به این مسئله می‌نگرند. پاکستان سعی دارد با حضور اکثر گروه‌های مسلح در مذاکرات موازنه را به نفع خود تغییر دهد و نفوذش را در کابل بالا ببرد ولی افغان‌ها حاضر نیستند با گروه‌هایی که سازش‌ناپذیر هستند، مذاکره کنند.

اشتقاق طالبان

چشم‌انداز مذاکرات صلح با طالبان هنوز تیره و مبهم است زیرا اولاً طالبان در داخل دچار چنددستگی و شکاف شده و با ریزش برخی از نیروهای این گروه پس از اعلام حضور داعش در افغانستان معلوم نیست مذاکرات صلح در بدنه این گروه چقدر حامی داشته باشد. از سوی دیگر حملات گسترده طالبان در ماه‌های اخیر که به سقوط برخی شهرهای افغانستان انجامید گویای آن است که طالبان نمی‌خواهد با دست‌خالی و از موضع ضعف پشت‌میز مذاکره بنشیند. هنوز معلوم نیست که کدام گروه‌های مسلح مخالف دولت به روند مذاکرات می‌پیوندند ولی آنچه مسلم است افغانستان دیگر با یک گروه طالبان روبه‌رو نیست بلکه به دلیل تقسیم این گروه در دسته‌های مختلفی سر و کار دارد که همچنان به جنگ با دولت مرکزی ادامه می‌دهند و این مسئله روند مذاکرات را با مشکل روبه‌رو می‌کند. افغانستان گفته است در پی تفکیک این گروه‌ها از یکدیگر است و با تروریست‌هایی که حاضر به پیوستن به روند صلح نشوند، بر اساس یک تفاهم مشترک با پاکستان، امریکا و چین برخورد خواهد کرد. از این‌رو، گروه‌هایی که در مذاکرات مشارکت نداشته باشند به عنوان گروه تروریستی شناخته می‌شوند که همه کشور‌های مؤثر در بحران افغانستان باید با آنها مقابله کنند تا امنیت در منطقه تأمین شود. زیرا ناامی‌های ایجاد شده توسط این گروه‌ها نه تنها افغانستان بلکه سایر کشور‌های منطقه را حمله‌چین‌رانیز با ناامنی مواجه خواهد کرد و به همین منظور تلاش منطقه‌ای برای مقابله با آن ضروری به نظر می‌رسد.

امریکا یک‌پای منسک

هر چند امریکا در ظاهر خود را برای به سرانجام رساندن مذاکرات صلح جدی نشان می‌دهد ولی خود امریکا یکی از عوامل اصلی شکست مذاکرات است چرا که طالبان واشنگتن را قبول ندارد و خروج نیروهای این کشور از افغانستان را یکی از پیش‌شرط‌های مذاکرات صلح اعلام کرده است. هم‌زمان با مذاکرات اسلام‌آباد، طالبان با انتشار بیانیه‌ای به نقل از ملاختر منصور، رهبر جدید این گروه اعلام کرد: «این گروه به مذاکره اعلام کرده است. سرتاج عزیز، مشاور نخست‌وزیر پاکستان در امور خارجی در نشست اسلام‌آباد گفته که هیچ پیش‌شرطی برای از سرگیری مذاکرات دولت کابل با طالبان مطرح نخواهد بود و ایجاد صلح و ثبات در افغانستان فقط از طریق مذاکرات سازنده امکانپذیر خواهد بود. این به معنای آن است که کابل شرط‌های طالبان را پذیرد. پذیرفتن پیش‌شرط‌ها برای حکومت افغانستان به معنای تن دادن به همه خواسته‌های حکومت پاکستان است. یعنی پاکستان آنچه را که در ۱۵ سال گذشته با جنگ نتوانسته به دست آورد، یک می‌خواهد. از طریق مذاکره حاصل کند. به هر حال آنچه در اسلام‌آباد به منته ظهور رسید این واقعیت بود که پاکستانی‌ها جز با رسیدن به منافع خود دست از حمایت طالبان بر نخواهند داشت و از آن گروه همچنان حمایت خواهند کرد. اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان گفته است حکومت افغانستان تن به هیچ ذلت و خواری نخواهد داد و هیچ پیش‌شرطی را که مغایر با منافع ملی افغانستان باشد نخواهد پذیرفت.

چهار پرونده
سیدرحیم لاری

بود که سیاستمداران، قانونگذاران و رسانه‌ها در کشور‌های اروپایی با گرایش‌های گوناگون سیاسی مایملی به این موضوع می‌پرداختند. با وجود آنکه سعی دولتمردان برخی از این کشور‌ها این بود که ژست مهاجر‌پذیری به خود بگیرند اما معلوم بود که حتی همین دولت‌مد هم تحت تأثیر موج مخالفت با پناهجویان بودند؛ موجی که یسار رنگ و بوی نژادپرستانه داشت یا درست‌کم، با شعر‌های ملی‌گرایانه همراه شده بود. این موج حرکت خود را از ابتدای سال نو مسیحی شروع کرد و بهانه آن هم آزار و اذیتی بود که در شب تحویل سال نو در شهر کلن و چندشهر دیگر آلمان به چند زن شده بود. در ابتدای کار، انگشت‌انهم مستقیم توجیه پناهجویانی شده بود که توانسته بودند از مواقع سخت و مسیری طولانی گذشته و خود را به آلمان برسانند و حتی تعدادی از پناهجویان هم توسط پلیس آلمان دستگیر شدند و مورد بازجویی قرار گرفتند. همین اتهام‌زنی دستاویز لازم را برای این موج فراهم کرد تا هادف پناهجوستیزی خود را با آب و تاب کامل پیش ببرند نه تحت تأثیر هیچ پروپاگاندا‌ی رسانه‌ای هم افراطی‌های دست‌راستی و هم سیاستمداران با موج نژادپرستی همراه شدند.

خوی پنهان نژادپرستی

شاید در روز‌های اول تشخیص واقعیت از پروپاگاندا در رسانه‌های غربی نسبت به تعرضات شب سال نو میلادی مشکل بود اما حالا که چندین روز از آن واقعه گذشته می‌توان دید که پروپاگاندا‌ی رسانه‌ای تا چه میزان زیادی واقع آن شب را تحریف کرده تا موج نژادپرستانه را پرمتلاطم کند. ابتدای این تنها خبر از شکایات تعدادی زن در شهر‌های کلن، اشتوتگارت و هامبورگ بود که با مراجعه به مراکز پلیس حمله مهاجمان و تعرض جنسی و سرقت اموالشان توسط مهاجمان مهاجمان و تعرض جنسی و سرقت اموالشان توسط مهاجمان صورت داد چنان‌که گویی پناهجویان خارجی می‌داد که مهاجمان حدود هزار نفر و بین سپتامبر ۱۵ تا ۳۵ سال بودند. در این بین، شهادت چند زن در مورد تهاجم چند مرد عرب یا آفریقایی تبار به آنها کل ماجرا را به یک سمت خاص سوق داد چنان‌که گویی پناهجویان خارجی مسئول تمام حوادث شب سال نو میلادی بوده‌اند. با وجود آنکه هنریت کرک، شهردار کلن، روز پنج‌مژانویه گفته بود که شواهدی دال بر درخالت پنهان‌هاکن ساکن کلن در حوادث آن شب وجود ندارد، اما رسانه‌ها با استناد به منابع ناشناس پلیس مدعی شدند که اکثر مظنونان، مهاجر بودند. نشریات مشهوری مثل فوگس و تسو دوپچه سنایتونگ در این قافله رسانه‌ای تصاویر گرافیکی روی جلد خود منتشر کردند که



بررسی حوادث شب سال نو میلادی با عینکی متفاوت

جشن نژادپرستی اروپا

در آنها زن‌های اروپایی مورد تعرض سیاهپوستان مهاجر را به تصویر کشیده بودند. مجله تسو دوپچه تسلیم اعتراضات مبنی بر نژادپرستانه بودن طرح روی جلد شد و بابت انتشار آن اعتراض کرد اما اولریش رایتس، سردبیر اصلی فوگس، نه تنها بابت انتشار تصویر نژادپرستانه مجله‌اش عذرخواهی نکرد بلکه حتی از آن دفاع کرد و گفت: «ما چیزی را تریسم می‌کنیم که متأسفانه دارد رخ می‌دهد.» واقعیتی که او با استناد به آن پناهجویان مسلمان از کشور‌های خاورمیانه و شمال آفریقا را متهم می‌کند تنها ساخته و پیاورفته‌ای دیگر ارباب رسانه بود نمی‌توان در واقعیت امر ناشی از آن را یافت. نکته جالب اینجاست که تبلیغات نژادپرستانه تنها به رسانه‌ها محدود نشد و حتی دانشگاه مشهوری مثل یورگ باروفسکی از دانشگاه معروف هومبولت برلین هم با نوشتن یادداشتی در نشریه راست افراطی سنایتونگ بارز مدعی شد که «شب سال نو، صدها مرد عرب به تعرض جنسی، تحقیر و ربودن زنان در میدان کلیسای جامع کلن اقدام کرد.» تمام این موارد تنها نشان خوبی خودی نژادپرستانه‌ای است که تنها منتظر فرصتی برای عرض اندام بود و حوادث شب سال نو این فرصت را فراهم کرد.

واقعیت و شواهد

با وجود این موج نژادپرستانه اما واقعیت امر و شواهد موجود

دولت و معارضان ونزوئلا در مسیر رویارویی تمام عیار

در عین حال پشتیبانی امریکا از این پس، هر چه بیشتر عرصه را بر دولت چپ‌گرای ونزوئلا تنگ خواهند کرد، با این حال مادورو و متحدان وی ظاهراً با پیش‌بینی اقدامات حریف سیاسی خود، تلاش کرده‌اند تا در همان گام نخست، طر‌ح‌ها و اقدامات اپوزیسیون را با ناکامی مواجه کرده و عقیم کنند. از قبل هم انتظار می‌رفت که مادورو و تلاش‌های اپوزیسیون برای ایجاد بی‌ثباتی سیاسی را خنثی و با اقدامات براندازانه آنها مقابله کند. مادورو قصد ادامه سیاست‌های اصلاحی خود در عرصه اقتصادی و اجتماعی با هدف بهبود اوضاع اقتصادی ونزوئلا و افزایش محبوبیت دولت چپ‌گرای این کشور را دارد. در عین حال اپوزیسیون نیز با توجه به آراییی که در انتخابات اخیر به دست آورد و با تصور در اختیار داشتن حمایت مردمی و نیز پشتیبانی فزاینده غربی‌ها تلاش جدی را برای سرنگونی دولت چپ‌گرای ونزوئلا آغاز کرده است.

تعمیم کابینه

نیکلاس مادورو رئیس‌جمهور سوسیالیست ونزوئلا با فاصله یک روز پس از اینکه ائتلاف اپوزیسیون کنترل پارلمان این کشور را به‌دست گرفت، تغییرات مهمی را در کابینه این کشور صورت داد. در این چارچوب مادورو روز چهارشنبه اعلام کرد به منظور ایفای تعهدات اقتصادی خود، این تغییرات گسترده را در کابینه ونزوئلا اعمال کرده است. مادورو هدف خود را از تغییر دولت ونزوئلا آغاز روندی جدید با همکاری مردم این کشور اعلام کرد. مادورو، مقلبه‌با اوضاع خطرناک اقتصادی را از جمله دیگر دلایل این تصمیم خود بر شمرد. مادورو در عین حال ائتلاف



اپوزیسیون را به دامن زدن به آتش جنگ اقتصادی در سرزمینی با ذخایر غنی نفتی متهم کرده است. رئیس‌جمهور ونزوئلا در چارچوب این تغییرات «لوئیس سالاس» ۳۹-ساله را به عنوان معاون رئیس‌جمهور در امور اقتصادی تعیین کرد. سالاس همچنین ریاست تازه تأسیس «اقتصاد مولد» ونزوئلا را به‌عهده گرفت. حضور سالاس که تمایلات بسیار چپ‌گرایانه دارد می‌تواند چالش جدیدی برای ائتلاف اپوزیسیون «اتحاد دموکراتیک» باشد که بعد از ۱۶ سال با کسب دو سوم آرای انتخابات اخیر، کنترل پارلمان ونزوئلا را به‌دست گرفته است. سالاس برخلاف ائتلاف اپوزیسیون که خواهان کاهش کنترل دولت بر مشاغل و صنایع است، از اعمال کنترل بیشتر بر قیمت‌گذاری محصولات خیر‌باده و اجزای مختلف را به بی‌ثباتی اقتصاد متهم می‌کند. همچنین رئیس‌جمهور ونزوئلا که پیشتر وزارت اقتصاد، دارایی و بانکداری این کشور را به وزیر خارجه و «ولادیمییر پادرون» به عنوان وزیر دفاع ونزوئلا ابقا شدند. در تحو‌لی دیگر نیکلاس مادورو به‌موجب قانونی که اختیارات ویژه به رئیس‌جمهور ونزوئلا می‌داد و اعتبار آن در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵، پایان رسید، مادورو قدرت انتصاب رئیس‌مدیران بانک مرکزی ونزوئلا را که پیش از این در حوزه اختیارات مجمع ملی یا همان پارلمان بود، در اختیار گرفته بود. بانک مرکزی ونزوئلا سیاست‌های پولی این کشور را تعیین می‌کند. طبق حکم مادورو، بانک مرکزی ونزوئلا اجازه دارد به‌طور موقت انتشار اخبار و اطلاعات مربوط به وضعیت پولی این کشور را متوقف کند.

این تغییرات در حالی صورت گرفته است که احزاب مخالف دولت مادورو را به سوء مدیریت اقتصادی این کشور متهم می‌کنند. در مقابل رئیس‌جمهوری چپ‌گرای ونزوئلا اعلام کرده که تمرکز رفت بر کشاورزی و توسعه اقتصادی بهترین راه‌روستن برای بحران‌ی است که کاهش شدید قیمت نفت و اقدامات سیاسی ائتلاف اپوزیسیون عامل اصلی ایجاد آن بوده‌اند. در حالی است که ونزوئلا که بیشترین درآمد خود را از راه فروش نفت تأمین می‌کند، این روزها با توجه به افت جهانی قیمت نفت با رکود اقتصادی شدیدی مواجه است. کمالاتکه در آخرین برآورد بانک جهانی که روز چهارشنبه اعلام شد، اقتصاد ونزوئلا در سال ۲۰۱۵ میلادی با کاهش ۸/۲ درصدی مواجه شد و پیش‌بینی می‌شود در سال میلادی جاری اقتصاد این کشور افت ۴/۸ درصدی دیگری را تجربه کند. بدین ترتیب انتظار می‌رود که افزایش ناراضی‌های مردمی موجب ایجاد بستر مناسب مخالفان این بود که با در اختیار داشتن پارلمان

برای حفظ اکثریت دو سومی دارند. در پی تأیید اعتبارنامه سه تن از نمایندگان مخالف در مجلس ونزوئلا که دیوان عالی ونزوئلا به دلیل مناقشه انتخاباتی، ورود آنان به مجلس را منع کرده بود، این نهاد قضایی روز دوشنبه اقدامات مجلس این کشور را غیر اعتبار دانست. دیوان عالی ونزوئلا اعلام کرد تا زمانی که سه نماینده مورد مناقشه در کرسی‌های نمایندگی باشند، تمام اقداماتی که مجلس جدید انجام‌دهد یا خواهد داد غیر قانونی و نامعتبر است. این تصمیم و تشدید بحران سیاسی در ونزوئلا در حالی است که مجلس جدید این کشور که اپوزیسیون اکثریت آن را در اختیار دارد، دولت نیکلاس مادورو رئیس‌جمهوری ونزوئلا را متهم می‌کند که دیوان عالی را از متحان خود انباشته است. پس از آنکه مخالفان در انتخابات پارلمانی ماه گذشته حائز اکثریت کرسی‌های مجلس شدند، دیوان عالی به عنوان بازنگری قدرتمند ظاهر شده است. حزب حاکم «سوسیالیست متحد» در یک جلسه فوق العاده در پایسان از مجلس قبلی، تعدادی از قضات را به عضویت در دیوان عالی منصوب کرد که مخالفان این اقدام را غیر دموکراتیک دانسته و رد کرده‌اند. یک هفته پیش از آغاز فعالیت مجلس جدید، دیوان ویژه سه نماینده مخالف را به مجلس ممنوع اعلام کرد که در صورت عملی شدن این خواسته، اکثریت نیرومند دو سوم مخالفان از میان می‌رود. به‌موجب قانونی که اختیارات ویژه به رئیس‌جمهور ونزوئلا می‌داد و اعتبار آن در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵، پایان رسید، مادورو قدرت انتصاب رئیس‌مدیران بانک مرکزی ونزوئلا را که پیش از این در حوزه اختیارات مجمع ملی یا همان پارلمان بود، در اختیار گرفته بود. بانک مرکزی ونزوئلا سیاست‌های پولی این کشور را تعیین می‌کند. طبق حکم مادورو، بانک مرکزی ونزوئلا اجازه دارد به‌طور موقت انتشار اخبار و اطلاعات مربوط به وضعیت پولی این کشور را متوقف کند.

این تغییرات در حالی صورت گرفته است که احزاب مخالف دولت مادورو را به سوء مدیریت اقتصادی این کشور متهم می‌کنند. در مقابل رئیس‌جمهوری چپ‌گرای ونزوئلا اعلام کرده که تمرکز رفت بر کشاورزی و توسعه اقتصادی بهترین راه‌روستن برای بحران‌ی است که کاهش شدید قیمت نفت و اقدامات سیاسی ائتلاف اپوزیسیون عامل اصلی ایجاد آن بوده‌اند. در حالی است که ونزوئلا که بیشترین درآمد خود را از راه فروش نفت تأمین می‌کند، این روزها با توجه به افت جهانی قیمت نفت با رکود اقتصادی شدیدی مواجه است. کمالاتکه در آخرین برآورد بانک جهانی که روز چهارشنبه اعلام شد، اقتصاد ونزوئلا در سال ۲۰۱۵ میلادی با کاهش ۸/۲ درصدی مواجه شد و پیش‌بینی می‌شود در سال میلادی جاری اقتصاد این کشور افت ۴/۸ درصدی دیگری را تجربه کند. بدین ترتیب انتظار می‌رود که افزایش ناراضی‌های مردمی موجب ایجاد بستر مناسب مخالفان این بود که با در اختیار داشتن پارلمان